

علم خدا باورانه

مهدی گلشنی

چرا پیشرفت علم شادی و سعادت حقیقی را برای بشر به ارمغان نیاورده است؟ هیچ کس نمی تواند پیشرفت عظیم معرفت علمی را از دوران سِر اسحق نیوتون به بعد مورد تردید قرار دهد: پیشرفت در ارتباطات، تأمین نیازهای مادی انسان و کنترل بیماری ها. اما در مقابل، در جهان صنعتی شاهد تحولات نگران کننده ای هستیم. که این پیشرفت ها را تعدیل می کند: افزایش چشمگیر تعداد خودکشی ها، احساس پوچی، مصرف مواد مخدر، افسردگی، تنش و ستیز بین ملت ها.

به نظر من، عمده مشکل در مبنای فلسفی بنیان های علم جدید قرار دارد. در اصل، علم در بستری دینی پا گرفت. پیشروان آن، طبیعت را صنع خدایی دانا و قادر مطلق می دیدند. به زعم ایشان نقش انسان آن بود که کره زمین را اداره کند. اما در طی دو قرن گذشته این تصویر تغییر کرده است. علم در صورت جدیدش درباره خدا و درباره مسئولیت ما نسبت به خود، جامعه و جهانمان ساکت است. اکنون دیدگاه رایج بر کشف طبیعت و به خدمت درآوردن آن متمرکز است.

این دیدگاه رایج دو حقیقت مهم را مغفول می گذارد. نخست، جهان، بسیار غنی تر از آن است که علم تجربی ظاهراً نشان می دهد. دوم، در تأمین رفاه ما، باید کار علمی

متضمن احساس مسئولیت باشد، چنان که در تمام فعالیت‌های انسانی نیز باید چنین باشد. انتظار نداریم که این احساس مسئولیت از خود علم حاصل شود؛ این موضوع باید به علم اضافه گردد.

علم معمولاً فعالیتی عینی انگاشته می‌شود که نه شرقی و نه غربی است. اما تحقیقات اخیر در فلسفه علم و جامعه‌شناسی علم آشکار کرده است که همه نظریه‌های [کلان] علم متأثر از پیشداوری‌های فلسفی یا عقاید دینی است.

هرکار علمی دو مرحله دارد. یکی جمع‌آوری داده‌ها است، دیگری دسته‌بندی داده‌ها، ساختن مفاهیم و نظریه‌سازی. عمدتاً، در مرحله دوم است که پیشداوری‌های فلسفی یا دینی وارد می‌شود. این چیزی است که علمی را خداباور یا الحادی می‌سازد. برای این که بدانیم علم خداباورانه مستلزم چیست، چند مثال می‌زنیم.

نخست، قدرت علم را در پیش‌بینی‌های دقیق در نظر بگیرید. این امر مبتنی بر اعتماد ماست به قانونمندی طبیعت. هنگامی که قانونی را کشف می‌کنیم که در موارد خاص بکار گرفته می‌شود، عتیقه داریم که در همه موارد کارا خواهد بود. اما چرا چنین فرض می‌کنیم؟ خود علم نمی‌تواند اعتماد ما به فهم‌پذیری طبیعت یا قابل اطمینان بودن قوانین علمی را توضیح دهد. اما چنین اعتمادی در بستر علمی خداباورانه طبیعی است. این علمی است که مبتنی بر اعتقاد به خدایی شخصی است که جهانی طراحی شده را آفرید، با انسان‌هایی دارای مسئولیت اخلاقی، خدایی که به ما توانایی داد تا طبیعت را بشناسیم. دوم، مبدأ و تکون جهان را در نظر بگیرید - علم کیهان‌شناسی. دانش ما درباره جهان از طریق نوری که از فضای کیهانی می‌رسد بدست می‌آید. این نور سرخ‌های محدودی در اختیار ما می‌گذارد. اما برای این که جلوتر برویم و مدلی از جهان را تدوین کنیم، باید فرضیاتی را مدنظر قرار دهیم. برای مثال، فرض می‌کنیم که قوانین معتبر فیزیک در سطح کره زمین، در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها معتبر است. همچنین فرض می‌کنیم که مکان ما در جهان مکانی استثنائی نیست. این فرضیات به وسیله روش‌های

علم جدید قابل اثبات نیست. اما آنها را در بستری خداپاورانه می‌توان فهمید. وحدت و نظم جهان مخلوق انعکاسی است از وحدت خالق آن.

نهایت آن که، پیدایش حیات در جهان را مد نظر قرار می‌دهیم. تحقیقات اخیر نشان داده است که حیات نمی‌تواند ظهور کند مگر آن‌که ارتباطی ظریف و دقیق بین چهار نیروی اساسی طبیعت (ثقلی، الکترومغناطیسی و دو نوع نیروی هسته‌ای) وجود داشته باشد. در حقیقت برای تأمین بعضی عناصر لازم برای حیات (یعنی کربن، ازت، اکسیژن و فسفر) این عناصر باید در درون ستارگان در شرایط مناسب درجه حرارت، چگالی و غیره تولید شوند. ایجاد این شرایط لازم، به نوبه خود، به نحو ظریف و دقیقی به حالت اولیه جهان و توان نسبی نیروهای بنیادین بستگی دارد. چگونه این تعادل ظریف بین چهار نیروی طبیعت را توجیه می‌کنیم؟

توضیح خداپاورانه این تنظیم دقیق شرایط را به طراحی نسبت می‌دهد - خدا دانسته و از روی قصد و هدف جهان را طراحی کرد تا محل حیات باشد. اما از طرف دیگر دانشمندانی که پیشداوری‌های ملحدانه دارند، فرض می‌کنند که بی‌نهایت جهان وجود دارد، که هر کدام قوت متفاوتی برای نیروهای بنیادین طبیعت دارند. با بخت و اتفاق بعضی از این جهان‌ها شرایط مورد نیاز برای تکون حیات را احراز می‌کنند.

بنابراین، درباره یک مجموعه مشاهده واحد دو تفسیر کاملاً متفاوت وجود دارد که فراتر از علم معمول است. در یکی از آنها فرض می‌شود که بی‌نهایت جهان وجود دارد؛ و در دیگری یک خدای فوق طبیعی ملحوظ می‌گردد.

جهان‌بینی یک دانشمند نه تنها بر گزینش نظریه‌ها از سوی او تأثیر می‌گذارد، بلکه بر سمت و سویی که وی به کاربرد علم می‌دهد نیز اثر می‌گذارد. همان گونه که آشکارا می‌بینیم استفاده از علم در سال‌های اخیر همواره رفاه را برای ما فراهم نیاورده است، در حقیقت بسیاری از دانشمندان درگیر ساختن اسلحه‌های مرگبار یا اسباب و آلات مضر برای انسان‌ها یا محیط زیست هستند. نگرش خداپاورانه دانشمندان را بر آن می‌دارد که

دانش‌شان را در خدمت خوشی و رفاه هر چه بیشتر بشر بکار برند.

مهدی گلشنی استاد فیزیک و رئیس گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف در تهران، ایران است. از جمله کتاب‌های اخیر او قرآن و علوم طبیعت^۱ و آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟^۲ است.

-
1. *The Holy Quran and the Sciences of Nature*
 2. *Can Science Dispense with Religion?*